دلیل عدم اشاره مستقیم شارع به ادله مدیریت امتثال

شاگرد: مطابق بیان حضرتعالی اگر امتثال متشرعه این قدر مهم است که با روایات دست به مدیریت میزنند، خیلی وقتها با یک بیان زائده آوردن که مئونهای هم ندارد، این مدیریت امتثال میشد. مثلاً در روایت «خمسون» میفرمودند برای زمانی است که اختلاف باشد. در روایات بینه میفرمودند در صورتی است که اختلاف نیست. با همان بیان زائد این مدیریت را انجام میدادند. چرا با آن بیان زائدی که هزینهای هم نداشت، دست به مدیریت نزدند؟

استاد: درجاییکه قرائن لبیه، مقامیه موجود است، بیان زائد سر از بینهایت در میآورد. مثلاً میگویند «خفقة و خفقتان» یعنی باید دلت خواب برود، پس وقتی شک داری، «فابن علی الیقین، لاتنقض الیقین بالشک». شما بگویید خب همینجا بگویند من که میگویم «لاتنقض»، میخواهم مدیریت میکنم که وضوی شما انجام شود. خب معلوم است وقتی میگویند اگر شک کردی بناء بگذار، دارند وظیفه تو را در مقام امتثال میگویند. شارع در اینجا نمیخواهد یک حکم ثبوتی برای یک موضوع ثبوتی بیاورد. خب وقتی خودش در تناسب حکم و موضوع اولین حرف را میزند نیازی نیست. کما اینکه در بسیاری از موارد همراهش هست.

بازبینی #1
ایجاد شده 14 مه 2026 14:47:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 14 مه 2026 14:48:40 توسط ... .